



## دانستنی‌های اقتصاد پنهان<sup>۱</sup>

### فرار سرمایه

#### چکیده:

فرار سرمایه یکی از معضلات اساسی کشورهای در حال توسعه است. در حالی که اکثر کشورهای در حال توسعه به عامل سرمایه به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی نیاز مبرم دارند، ولی ملاحظه می‌شود که بروز شرایط ویژه‌ی سیاسی - اقتصادی نه تنها موجب جذب سرمایه‌های خارجی نمی‌شود، بلکه سرمایه‌های اندک داخلی را نیز به سوی خارج سوق می‌دهد. فرار سرمایه در ادبیات اقتصاد کلان و نیز در مباحث آکادمیک علمی اقتصادی موضوعی عادی نیست و پدیده‌ای طبیعی قلمداد می‌شود که می‌توان آن را نوعی بیماری اقتصادی دانست که البته خود می‌تواند مبین اوضاع سیاسی نیز باشد. شناخت علل و فرار سرمایه عوامل و متغیرهای اقتصادی و سیاسی مؤثر بر آن و اثرات فرار سرمایه به متغیرهای اقتصادی به ویژه رشد و اشتغال، از عناوینی است که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده است. مسئله‌ی اصلی این پایان‌نامه را به طور خلاصه می‌توان در ۳ بند عنوان نمود:

اول این که: فرار سرمایه چیست و چه تعاریفی دارد؟

دوم این که: چه مدل‌ها و روش‌هایی برای تخمین فرار سرمایه در روش‌های علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

سوم این که: کدام یک از روش‌های تخمین فرار سرمایه را می‌توان برای محاسبه‌ی فرار سرمایه در ایران به کار برد؟

در این پایان‌نامه به ۲۴ روش مطالعه و برآورد فرار سرمایه پرداخته شده است که عمدتاً در کشورهای دیگر مورد استفاده بوده‌اند و از میان روش‌های فوق، ۱۴ روش آن برای ایران برآورد شده است و در نهایت با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و آمار، این برآوردها ارزیابی شده‌اند.

۱- به نقل از پاشازاده مصطفی؛ تخمین فرار سرمایه در ایران؛ پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد - دانشگاه تربیت مدرس؛ ۱۳۸۰.

عمدتاً از کنترل دولت‌های داخل کشور میزبان، خارج است.

۴. فرار سرمایه یک پدیده‌ی غیر عادی (خارج از روال ارتباط منطقی متغیرهای کلان اقتصادی موجود در تئوری‌ها و ادبیات اقتصادی) است.

۵. فرار سرمایه عمدتاً معطوف به جریان خروج خصوصی سرمایه است.

۶. اشکال کاربردی و اجرایی فرار سرمایه متنوع است که می‌توان به خروج ارز، صادرات ارز، قاچاق کالا، خروج طلا و دارایی‌های نقدی، هم‌چنین فرار مغزها (سرمایه‌ی انسانی) اشاره کرد.

۷. فرار سرمایه را عمدتاً می‌توان با تجزیه و تحلیل دقیق اجزای حساب‌های مربوط به تراز پرداخت‌ها و تراز ارزی کشورهای مشاهده نمود. از این جهت بیش‌تر تعاریف و روش‌های فرار سرمایه به «اشتباهاات در تراز پرداخت‌ها» به عنوان جزء اصلی جریان خروج ثبت نشده‌ی سرمایه، توجه دارد.

۸. فرار سرمایه - یا خروج سرمایه به شکل فرار، هیچ بهره‌ای برای کشور ندارد.

۹. فرار سرمایه - چنانچه خود معلول پدیده‌های اقتصادی - سیاسی است، علت برخی دیگر از پدیده‌ها نیز واقع می‌شود.

۱۰. فرار سرمایه یک جریان غیر معمول اقتصادی است؛ زیرا مطابق

## فرار سرمایه یک جریان غیر معمول اقتصادی است؛ زیرا مطابق نظریات معمول، جریان عوامل تولید، گرایش به محیطی دارد که در آن، کم‌یابی آن عامل وجود دارد

مختلفی را می‌توان در تعاریف از فرار سرمایه مشاهده کرد. در عین حال می‌توان وجوه مشترکی را نیز در میان انواع تعاریف موجود احصا نمود. چند نمونه از وجوه مشترک این تعاریف عبارت‌اند از:

۱. انتقال سرمایه به صورت فرار از کشورهای در حال توسعه به سوی کشورهای توسعه یافته صورت می‌گیرد.
۲. خروج خصوصی سرمایه، رابطه‌ی مستقیمی با ناطمینانی‌های سیاسی - اقتصادی کشور میزبان دارد.
۳. خروج سرمایه به شکل فرار -

تعریف عمومی پذیرفته‌شده و قابل اجماعی از مفهوم فرار سرمایه (Capital flight) وجود ندارد. اکثر کسانی که این پدیده را مطالعه کرده‌اند، به اعتبار مسائل مورد توجه در کشور خاص یا آمارهای موجود و یا مطابق با فرضیات خود، این مفهوم را تعریف کرده‌اند؛ از این رو مطابق با تعاریف مختلفی که از فرار سرمایه در منابع و متون و ادبیات اقتصادی وجود دارد، روش‌های اندازه‌گیری و تخمین نیز متفاوت (و متناظر به تعریف خاص خود) است. تئوری‌های اقتصادی نیز در مقیاس خرد و کلان آن شامل تعریف جامع، واحد و همه‌پذیری از فرار سرمایه نیست. و حتی متناسب با کاربرد آن در کشورهای در حال توسعه، تعاریف، متنوع می‌باشند. برخی هرگونه خروج سرمایه از کشورهای در حال توسعه را فرار سرمایه می‌نامند؛ در حالی که خروج سرمایه از کشورهای توسعه‌یافته را «سرمایه‌گذاری خارجی» می‌دانند. دلیل این اختلاف تعریف این است که سرمایه‌گذاران کشورهای توسعه‌یافته، به فرصت‌های سرمایه‌گذاری پاسخ می‌دهند؛ حال آن که سرمایه‌گذاران کشورهای توسعه‌نیافته، سرمایه‌ی خود را از ناطمینانی‌های سیاسی و اقتصادی کشور خود نجات می‌دهند. تفاوت‌های



حرکات سرمایه از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه و فرار سرمایه به حرکات سرمایه‌ی خصوصی از کشورهای در حال توسعه، مسئله‌ی فرار سرمایه در کشورهای توسعه یافته، خود به خود منتفی می‌گردد. باید توجه گردد که در مورد کشورهای توسعه یافته، جریان‌ات سرمایه‌ی دو طرفه‌ای وجود دارد؛ در حالی که چنین جریان‌ات سرمایه‌ی دو طرفه‌ای بین کشورهای در حال توسعه (عمدتاً به دلایل ساختاری موجود در اقتصاد این کشورها) دیده نشده است. پدیده‌ی فرار سرمایه اثرات مهمی بر روی متغیرهای اقتصادی بر جای می‌گذارد. این اثرات را می‌توان به اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم‌بندی نمود. افزایش نرخ ارز؛ تشدید تضعیف پول داخلی؛ کاهش سرمایه‌گذاری؛ کاهش سود؛ و ایجاد یا تشدید کسری تراز پرداخت‌ها از جمله آثار کوتاه‌مدت فرار سرمایه است. در مقابل، کاهش در رشد بالقوه‌ی اقتصادی؛ فرسایش پایه‌ی مالیاتی؛ و وخیم‌تر شدن وضعیت توزیع درآمد از جمله آثار بلندمدت فرار سرمایه می‌باشد. باید توجه داشت که اصولاً به دلیل این پیامدهای منفی است که فرار سرمایه از سال ۱۹۸۲ به بعد، به دنبال بحران بدهی، در بین اقتصاددانان اهمیت وافرایی یافته است.

عمده‌ترین راه‌های جلوگیری از فرار سرمایه عبارت‌اند از: ایجاد محیط با ثبات اقتصادی؛ در پیش گرفتن سیاست‌های معتبر کلان اقتصادی؛ تنوع در دارایی‌های مالی داخلی؛ تضمین سرمایه‌گذاران در مقابل خطر سلب مالکیت؛ و وضع کنترل‌های ارزی و سرمایه‌ای. از این رو باید توجه داشت که در بهترین حالت، دولت‌ها تنها می‌توانند تا حدودی جریان فرار سرمایه را کاهش دهند؛ ولی نخواهند توانست فرار سرمایه را به طور کامل کنترل نمایند؛ زیرا بسیاری از علل فرار سرمایه، در خارج از کنترل دولت‌مردان قرار دارد. ■

## فرار سرمایه در بخش خصوصی در واقع بهینه‌سازی سبد دارایی‌ها (Portfolio) با توجه به اوضاع اقتصادی - سیاسی کشور است

سرمایه‌های انسانی. نکته‌ی دیگر این که فرار سرمایه تنها به کشورهای در حال توسعه مربوط نمی‌شود؛ بلکه حتی در کشورهای توسعه یافته‌ی صنعتی نیز پدیده‌ی فرار سرمایه وجود دارد؛ اما با توجه به تفکیک پدیده‌ی فرار سرمایه از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی به اعتبار اطلاق سرمایه‌گذاری خارجی به

نظریات معمول، عامل جریان عوامل تولید، گرایش به محیطی دارد که در آن، کم‌یابی آن وجود دارد؛ بنابراین کشورهای در حال توسعه چون نیاز بیش‌تری به سرمایه دارند، طبق روال فوق باید سرمایه‌ی خارجی بیش‌تری جذب نمایند؛ در صورتی که عکس این جریان ملاحظه می‌شود.

۱۱. فرار سرمایه در بخش خصوصی در واقع بهینه‌سازی سبد دارایی‌ها (Portfolio) با توجه به اوضاع اقتصادی - سیاسی کشور است.

علل فرار سرمایه را می‌توان به علل اقتصادی (از جمله تقویت نرخ ارز، کسری مالی، و ریسک)، علل سیاسی (از جمله جنگ، بی‌ثباتی سیاسی، و محرک‌های موجود در کشورهای گیرنده‌ی سرمایه)، و قوانین و مقررات (مانند کنترل نرخ‌های بهره و ارز، کنترل‌های سرمایه‌ای و...) طبقه‌بندی نمود.

فرار سرمایه به صورت گوناگونی ممکن است اتفاق بیفتد. این سرمایه در صورت عدم وجود کنترل‌های ارزی یا سرمایه‌ای در فعالیت ساکنان سرمایه‌ها (در نرخ ارز رایج) به راحتی به خارج انتقال می‌یابند؛ لیکن در صورت چنین کنترل‌هایی نیز به دلیل سرپیچی از مقررات، فرار سرمایه اتفاق می‌افتد، معمول‌ترین راه‌های سرپیچی از کنترل‌های ارزی عبارت‌اند از: کم‌تر از حد اعلام کردن صادرات؛ بیش‌تر از حد اعلام کردن واردات؛ قاچاق ارز؛ و قاچاق کالاها تا هنگامی که درآمدهای ناشی از چنین عملیاتی در خارج از کشور نگه‌داری شده و در حساب موازنه‌ای پرداخت‌ها ثبت نگردند، طور کلی عمده‌ترین شکل‌های فرار سرمایه را می‌توان در موارد زیر طبقه‌بندی نمود:

(الف) فرار سرمایه‌های نقدی؛

(ب) فرار سرمایه به شکل کالاها، جواهرات، و اشیای عتیقه؛

(ج) فرار سرمایه به شکل

